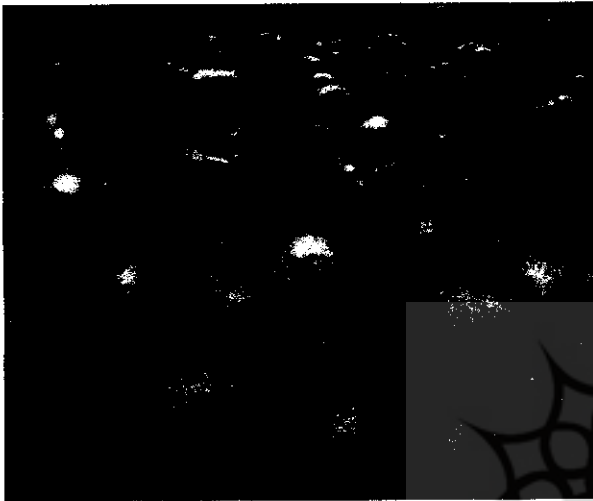


نوزایش جامعه‌شناسی اقتصادی

نویسنده: ژان لویی لاول
مترجم: دکتر هوشنگ فرخجسته



مجله بین‌المللی جامعه‌شناسی
ژوئیه - دسامبر ۱۹۹۷

۲۳

عرضه ترکیبی (از ریشارد سوئدبرگ و از بنوالوسک، ژیل بورک، اریک فورگ) مورد مطالعه قرار می‌دهد که با توجه به آثار مؤلفان فرانسوی زبان کامل گردیده است. زیرا گفت و گو کاری جز ایجاد زمینه جذب به موضوع نمی‌کند.^(۵) اگر چه با نوزایش جامعه‌شناسی اقتصادی، فرایندی قابل بحث و بدیع در عرصه جامعه‌شناسی با اختلاط در جامعه‌شناسی‌های تخصصی، دوباره در تعداد کثیری از کارهای انگلیسی‌زبان و فرانسوی‌زبان مخلوط می‌شود، اما باز شناخت مشترک آنها - همچنان که سوئدبرگ در «تاریخ جامعه‌شناسی اقتصادی» خود نشان می‌دهد - ضعیف و کمرنگ باقی می‌ماند. سوئدبرگ کار خود را با تمرکز بر تحقیقات منتشر شده به زبان انگلیسی به انجام

به خط‌مشی پیشگامان جامعه‌شناسی اقتصادی قرن اخیر مانند ژان ژاک ژیسلن و فیلیپ اشتامیز -^(۳) می‌پیوندند. بلند پروازی این پرونده و نیز مجله بین‌المللی جامعه‌شناسی به مسؤلیت اینجانب تدارک و تعیین مشخصات نوزایش جامعه‌شناسی اقتصادی است که به مثابه چشم‌انداز جامعه‌شناسی کاربردی در مورد پدیده‌های اقتصادی یا به عبارت روشن‌تر، به مثابه کاربرد چارچوب‌های ارجاعی متغیرها و الگوهای توصیفی جامعه‌شناسی در مجموعه پیچیده فعالیت‌های تولیدی، توزیعی، مبادلاتی و مصرفی کالاها و خدمات تلقی شده است.^(۴) به عبارت روشن‌تر، این اقدام، چشم‌انداز این نوزایش را در قلمرو جوامع انگلیسی‌زبان و فرانسوی‌زبان بر اساس دو

مناسبات بین اقتصاد و جامعه‌شناسی خود را در کانون بحث‌هایی می‌یابد که انتشار کتابهای متعدد و متنوع^(۱) امروزین اهمیت دوباره آن را اثبات کرده‌اند. چندین جریان متفاوت - حتی جریانهای مخالف - بر اساس قول میشل لالمان^(۲) در این نوزایش سهیم هستند. بعضی از این جریانها خواهان وسعت بخشیدن به عرصه کاربردی نظریه کلاسیک‌های نسوین هستند: دیدگاه روان‌شناسانه - جامعه‌شناسانه - مردم‌شناسانه و اقتصادشناسانه و ژرژاکرف، جامعه‌شناسی انتخابها و گزینشهای خردگرایانه‌گاری‌بکردو) جیمزکلنن، نظریه ارزشهای قراردادی و تعاهدی اولیور ویلیامسون از آن جمله‌اند. برخی دیگر، نظریه «انسان اقتصادی» را به نحوی اساسی مورد سؤال قرار می‌دهند و

رسانده است. (۶) با این وجود توسل به برخی مفاهیم مشترک - به همان اندازه که تنوع کاربردهایشان به مبادلات عمیق نیاز دارد - قابل تعمق و تأمل است. به عنوان مثال فرضیه‌ای که می‌خواهد بر اساس نمونه مفهوم تعبیه اهرمهای مناسب بازار - که به عقیده ما تفاوتها و امکانات تکمیل‌کننده جامعه‌شناسی اقتصادی فرانسوی زبان و انگلیسی‌زبان را بررسی می‌کند - از ورود به این بحث دفاع کند. (۷)

مارک گرانووتر این مفهوم را از کارل پولانی - برای روشن کردن این موضوع که کنش اقتصادی در نظامهای ملموس روابط اجتماعی محاط شده است - به عاریت گرفته است. توافق در مورد موضوع، مانع انتقاد گرانووتر نمی‌شود. وی پولانی را به دلیل آنکه از مفهوم اقتصاد بسیار اجتماعی شده در جوامع پیش تجاری و مفهوم اقتصاد کمتر اجتماعی شده در جوامع تجاری دفاع می‌کرد، مورد انتقاد قرار می‌دهد. گرانووتر در استدلالش به خوبی یکی از ابهامات نوشته‌های پولانی را برملا می‌سازد. پولانی در این نوشته‌ها می‌نویسد که «تعبیه اهرمهای مناسب بازار» می‌تواند همچون واقعیتی در نظر گرفته شود که از لحاظ تاریخی سپری شده است و یا کاملاً به مثابه گرایش پیوسته به اقتصادهای سرمایه‌داری تلقی شود که در این نوع اقتصادها ملاحظه می‌گردند. با این وجود، گرانووتر با تمرکز تحقیق خود بر تعبیه اهرمهای مناسب اقتصاد بازار، قلمرو تحقیق پولانی را نیز محدود می‌سازد.

چهار اصل رفتار اقتصادی

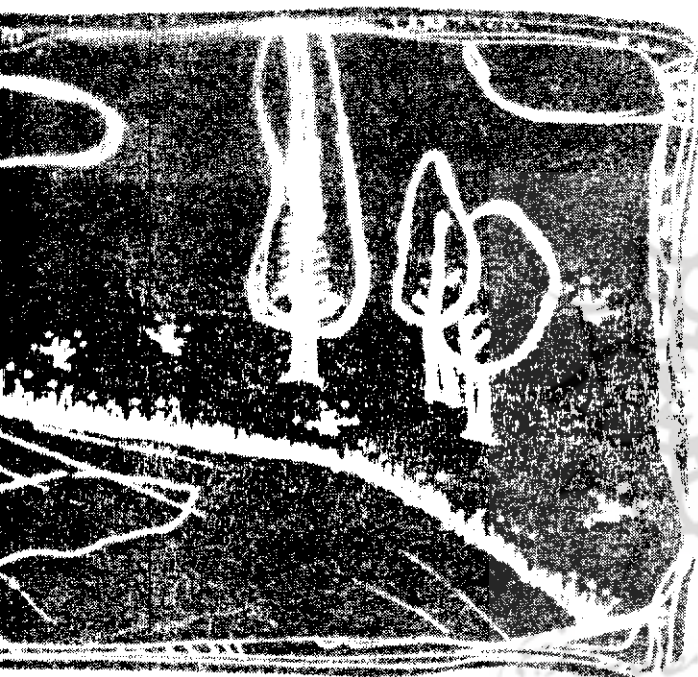
در نتیجه، گرانووتر وقت خود را صرف «ثبت و نگارش موقعیت اجتماعی بازار» (۸) می‌کند، لیکن، با این اقدام، وی می‌تواند به

طبیعی گردانیدن یا «مطلق گردانیدن» (۹) بازار دست یابد که همچون تنها اصل کاربردی اقتصاد در جوامع نوین در نظر گرفته می‌شود. باری، یکی از دستاوردهای اساسی پولانی، القای پژوهشی ماهوی (۱۰) - بیشتر غیررسمی - درباره اقتصاد است. این تلاش موجب شده است که در تمام جوامع انسانی به چهار اصل رفتار اقتصادی پی ببریم:

کالاها و خدمات به منظور مبادلات و بر اساس تثبیت قیمتها تلاقی کنند. ارتباط بین عرضه‌کننده و تقاضاکننده بر پایه قراردادی مبتنی بر محاسبه بهره صورت می‌گیرد. این ارتباط در مقایسه با سایر روابط اجتماعی، غیر سوداگرانه، مستقل و آزاد است؛ - توزیع مجدد، اصلی است که برحسب

آن، تولید به اقتداری مهم تبدیل می‌شود و مسئولیت تولید سریع و دوباره را برعهده دارد. اصلی که مستلزم اتخاذ راه و روشی مبتنی بر قواعد و ضوابط برداشتها و کاربردهاست. همچنین در عمل، روابطی در زمان بین آن اقتدار مهم که الزامی را تحمیل می‌کند و عوامل تبعی آن، مستقر می‌گردد؛ - معامله به مثل یکی دیگر از این اصول است. این اصل به رابطه مستقر بین گروهها یا اشخاصی مرتبط می‌شود که به لطف برخی پرداختها و تأدیه‌هایی که تنها با اتکاء به اراده و خواست در جهت متجلی ساختن پیوند اجتماعی بین دریافت‌کنندگان معنا

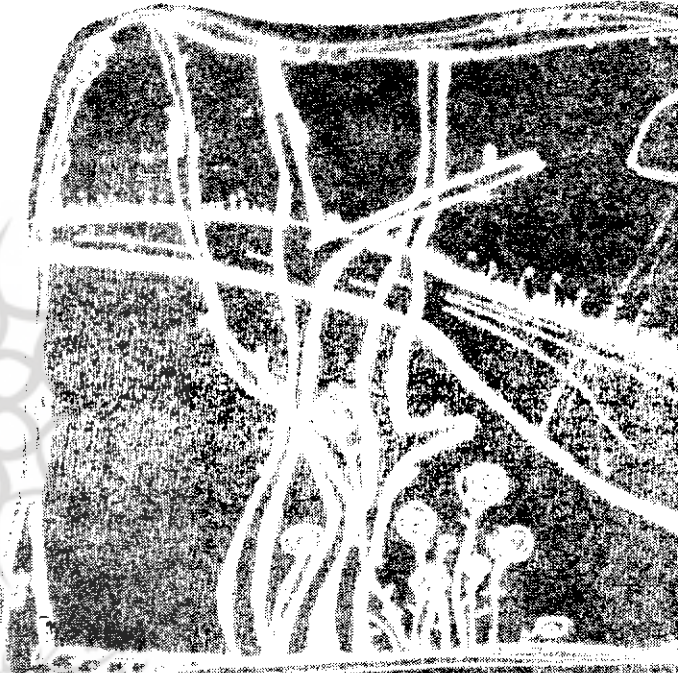
پیدا می‌کند. معامله به مثل اصل اساسی کنش اقتصادی را می‌سازد و بر پایه هدیه - به مثابه یک عمل اجتماعی ابتدایی - بنا شده است. می‌توان نام آن را ضدهدیه نیز نامید که شکل متناقض یک الزام را به خود می‌گیرد، و گروه یا شخص دریافت‌کننده هدیه، با دادن ضدهدیه آزادی خود را به دست می‌آورد و یا به عبارت دیگر رفع دین می‌کند. در این پیش‌آمد، دریافت‌کننده



هدیه، به پس دادن تحریک می‌گردد، لیکن وی در این پس دادن تابع اجباری بیرونی نیست و تصمیم وی در جهت پس دادن هدیه، به خود او تعلق دارد. در نتیجه هدیه مزبور مترادف با دگرخواهی و یا دادن چیز یا چیزهای رایگان نیست؛ بلکه ترکیب پیچیده ارضاء شخصی و بهره است. برعکس، چرخه معامله به مثل با مبادله سوداگرانه و تجاری متضاد است، چرا که این چرخه از لحاظ اجتماعی در زمره مناسبات انسانی نیست. مناسبات انسانی تمایلات بازشناخت و قدرت را برملا ساخته و از مبادله بسازتوزیعی متمایز

می‌گردد، زیرا از سوی قدرتی مرکزی تحمیل نمی‌شود.

- سرانجام اصل اقتصاد خانگی است که برای مصرف خاص خود تولید می‌کند و نیازهای گروه تعلق خویش را برآورده می‌سازد. ماهیتهای بسیار متفاوت هر چه باشند، خانواده، دهکده یا خانه، واحد پایه را تشکیل می‌دهند. اصل غیرقابل تغییر به نظر می‌رسد و با توجه به اصل تولید و انبار



و ذخیره کردن برای ارضای نیازهای اعضای گروه، اقتصاد خانگی به نوعی می‌تواند همچون شکلی از معامله به مثل محدود در گروهی بسته تلقی شود.

بنابراین بازار ویژگی خاصی را نشان می‌دهد، زیرا، بازار؛ به عکس مستلزم سایر اصول اقتصادی، یعنی غلتیدن و ادغام در روابط اجتماعی نیست «که امروزه در فرهنگهای غربی از نهادهای فکری و اقتصادی متمایز شده است»^(۱۱) بازار در اینجا در نظام اجتماعی ذوب نمی‌شود.

سه قطب اقتصادی

ظهور جامعه سیاسی در جوامع نوین -

در مقایسه با جوامع سنتی - اصولی را شکل بخشیده که خود را در سه قطب اقتصادی متمایز می‌گردانند:

- اقتصاد تجاری به اقتصادی وابسته است که توزیع کالاها و خدمات به بازار سپرده شده است. اگر اقتصاد تجاری اهمیتی غیرقابل وصف پیدا کرده به این دلیل است که ورود به جهان نوین دموکراتیک - که بر اساس نوعی مناسبات مبتنی بر آزادی و برابری میان افراد پایه‌ریزی شده است - از نظر برقراری قواعد حاکم بر خود مشکلی پیدا نمی‌کند. بازار در این بافت اجتماعی، خود را به مثابه اصلی رفتاری نشان می‌دهد که قادر است سهمی در شکل‌دهی و تنظیم این رفتار داشته باشد. برای غلبه بر نیروی مخرب هیجانها و احساسات در یک مجموعه انسانی که از هر الزام بیرونی و فوق طبیعی آزاد است، اصل بازار به

فضیلتی اصلاح‌گرایانه یاری می‌رساند که «به معضویت و ملاحظت تجارت و توانگری مدیون است»^(۱۲) ترقی اقتصاد تجاری بیشتر مدیون پذیرش مجموع سرمایه‌ها، و «واحد اقتصادی نفع بوده است که به طرف عملکرد بختهای عملیاتی تجارت، و با هدف کسب منفعت از مبادله»^(۱۳) سوق پیدا کرده و تمرکز ابزار تولید را در فرایند تولید شتاب بخشیده است.

- اقتصاد غیرتجاری به اقتصادی وابسته است که توزیع کالاها و خدمات به بازتوزیعی سپرده شده که تابع وضعیت

اجتماعی است. اقتصاد تجاری نتوانسته است به وعده خود در زمینه هماهنگی اجتماعی عمل کند. برعکس، با رشد مسأله اجتماعی، ضرورت ایجاد نهادهایی احساس می‌شود که شایسته برخورد قاطع با نتایج مخرب این قبیل فرایندها باشند. بنابراین، اصل اقتصادی دیگری به جزء بازار، یعنی توزیع دوباره مد نظر است که باید بتواند حقوق فردی شهروندان را تأمین کند، به گونه‌ای که آنها از بیمه‌ای استفاده کنند که مخاطرات اجتماعی را بپوشاند و یا از امنیتی بهره جویند که محروم‌ترین اقشار را نیز دربرگیرد. تعریف خدمات عمومی شامل تأدیه‌ها و پرداختهای کالاها و خدماتی است که بعد توزیع مجدد (ثروتمندان به سوی فقرا، فعالان به سمت غیرفعالان...) را دربرمی‌گیرد. قواعد این تأدیه‌ها و پرداختها از سوی اقتدار عمومی و تحت نظارت دموکراتیک، به شکل قانون به تصویب رسیده‌اند.^(۱۴)

- اقتصاد غیرپولی به اقتصادی وابسته است که توزیع کالاها و خدمات به معامله به مثل و اقتصاد خانگی مرتبط می‌شود. خود - تولیدی و اقتصاد خانگی در دوران نوین نیز به نحو وسیعی در جماعت‌های موروثی مانند خانواده پابرجا مانده است. لیکن در فراسوی جماعت‌های موروثی، استقرار جماعت سیاسی و بازشناخت فرد، مستقر در جامعه دموکراتیک نوین، امکان «آزادی مثبت»^(۱۵) تحقق پیدا کرده که خود را در توسعه کنشهای معامله به مثل و تعاونی بر اساس تعهدات آزادی نشان می‌دهد. خواسته‌های مقتدرانه و عمل‌کننده، خود را در شکل‌های متعدد مشارکت‌گرایی در اقتصاد نشان می‌دهند و تقاضاهای مشروع گردانیدن ابتکاری شکل می‌گیرند که به نحوی مستقل از مالکیت

سرمایه‌گذار متمایز می‌گردند. نتیجه اینکه سازمانهای تولیدی و عواملی به جز سرمایه‌داران (کارگران، مصرف‌کنندگان، استفاده‌کنندگان و...) شکل می‌گیرند که خود را در کسب منفعت صاحب حق ارزیابی می‌کنند^(۱۶) و یا به عبارت دیگر سازمانهایی شکل می‌گیرند که در اصل به هدف ایجاد عایدی برای سرمایه‌های سازمان‌دهی نشده، شکل گرفته‌اند.

خلاصه، چارچوب تحلیلی پولانی ریشه در نفی ثبت روابط تجاری در شبکه‌های ارتباطی بین اشخاص ندارد. لیکن، وی مفهوم تعبیه اهرمهای مناسب اقتصادی را به ابعاد اجتماعی‌اش تنزل نمی‌دهد. او به مزیتی وسیع‌تر توجه می‌کند. برخی از پیوندهای بین اشخاص می‌توانند به‌عنوان مسیری در نظر گرفته شوند که بعضی مؤسسات و شرکتها برای توسعه خویش انتخاب می‌کنند و برخی از انتخابهای تکنیکی به بعضی روابط مبتنی بر اعتماد بین مسؤلان شرکتها و کارشناسان آگاه می‌انجامد.^(۱۷) پولانی توجه دارد که این مسیرها در چارچوب محاسبات بهره مشخص گردیده و در نهایت به اقتصاد تجاری منجر خواهند شد. در نتیجه نوع دیگری از تعبیه اهرمهای مناسب وجود دارد که محدودیتهایی را بر منطق بازار تحمیل می‌کند. اجتماع شهروندان بر اساس حقوق و حمایت‌های ویژه - به استثنای حقوق مالکان - خویش این محدودیتها را بر منطق بازار تحمیل می‌کنند. این تعبیه اهرمهای سیاسی خود را بر اساس ترتیبات قانونی و مقرراتی - همچون درخواست مذاکره جمعی که حاصل کنش جنبشهای اجتماعی و قدرتهای عمومی تنظیم شده است - نشان می‌دهد. یکی از اصول ثابت جامعه‌شناسی اقتصادی نوین در جوامع فرانسوی‌زبان

یافتاری بر این تعبیه اهرمهای سیاسی اقتصاد تجاری است. نوشته لالمان در این مقاله به این نکته اشاره می‌کند. وی مرحله عبور از حاکمیت سیاسی دولت را به حکمرانی کار مورد بررسی قرار می‌دهد. این جهت‌گیری بدیع و بی‌سابقه نیست؛ همان‌طور که سوئدبرگ اشاره می‌کند، بسیاری از مؤلفان، از جمله ویویان زلیزر، شارون زوگین و پُل دی ماجیو تنزل تعبیه اهرمهای مناسب را تنها به شبکه‌های اجتماعی مورد انتقاد قرار داده و تعبیه اهرمهای سیاسی کنش اقتصادی را مورد بررسی قرار داده‌اند. اگر این جهت‌گیری در متون فرانسوی‌زبان با معنی است به این دلیل است که فشار خاصی از هر سو بر آن وارد شده است. یکی دیگر از ویژگیهای جامعه‌شناسی

اقتصادی فرانسوی‌زبان توجه به ابعاد غیرتجاری و غیرپولی اقتصاد معاصر است. منظور مطالعه اقتصادهای غیرتجاری و غیرپولی به مثابه بخشهای متمایز از بازار نیست: تحقیقات درباره بخش عمومی و بخش غیررسمی در سنت جوامع انگلیسی‌زبان فراوان است. سؤال مشخص بیشتر درباره ترتیب قرارگرفتن این قطبهای اقتصادی متفاوت در کنار هم است: سهم برنار.امه درباره اتصال و چسبندگی این قطبها و ژان‌لویی لاولیل در مورد مؤسساتی که ترکیبی از این قطبها اتخاذ کرده‌اند، قابل ذکر است. بی‌تردید، تقسیم مجدد بین اصول اقتصادی، یعنی بازار، توزیع مجدد، معامله به مثل و اقتصاد خانگی به‌نحو قابل ملاحظه‌ای در طول تاریخ تغییر کرده است و هر یک از این اصول با پدیدای



8. A. Jacob, H. Verin (ed), *L'inscription sociale du marche*, Paris, l'Harmattan, «Cahiers de socio-économie», 1995.

9. *Socialresearch*, vol.62, n°2 (été 1995), P387-413.

10. K. Polanyi: *Semantics of General economic history*, Columbia University, 1953.

11. J. Moncourant, J. M. Servet, A. Tiran, *l'actualité de Karl Polanyi (paraître)*, P. VIII.

12. A. O. Hirschman, *les passions et les interets*, Paris, PUF, 1980 (trad. franc, P. Andler), P. 55.

13. M. Weber, *Histoire économique. Esquisse d'une histoire universelle de l'économie et de la société*, Paris, Gallimard, 1991 (trad. franc, C. Bouchindhomme), P. 14.

14. Comme le souligne P. Strobel, *service public, fin de siècle*, in C. Gremion (dir.), *Modernisation des services publics, commissariat général du plan, ministère de la recherche*, Paris, la documentation française, 1995.

15. Selon l'expression de I. Berlin; *Eloge de la liberté*, Paris, Calmann - Levy, 1969.

16. Cf. B. Gui, *fondement économique du tiers secteur*, *revue des études coopératives, mutualistes, associatives*, n° 44 - 45, 4^e trimestre 1992 - 1^{er} trimestre 1993.

17. R. Swedberg (ed), *exploration in economic sociology*, New York, Russel sage foundation, P. 213 - 246.

مفاهیم اساسی همچون نظریه تدارک اهرمهای مناسب مشارکت می‌کنند. به همین دلیل گرانووتر در نوشته‌های خویش از تقویت جامعه‌شناسی اقتصادی در حال شدن دفاع می‌کند.

1. Actes de la recherche en sciences sociales n° 119, «Economie éconômistes» Revue Française. Juillet - Septembre 1997, XXX VIII - 3, *Sociologie du travail*, «contrats et politiques contractuelles. Approches pluridisciplinaires», XXX VIII - 4 1996.

2. Renaissance de la sociologie économique, *sociologie du travail*, XXX VIII - 2, 1996, P. 215 - 223.

3. J. - J. Gislaim, P. Steimer, *la sociologie économique, 1890 - 1920*, Paris, PUF, 1995.

4. N. J. smelser, R. swedberg, *the sociological perspective on the economy*, in N. J. smelser, R. swedberg (eds), *the handbook of economic sociology*, Princeton University press, 1994, P. 3.

5. Par exemple a travers une société savante commel a society for advancement of socio - economies (SASE) dont la branche française at l'association pour le developpement de la socio - économie (ADSE).

6. R. swedberg, *une histoire de la sociologie économique*, Paris, Desclée de Brouwer, 1994 (trad. franc, I this).

7. C'est cette traduction qui a été choisie pour embeddedness.

دموکراسی نوین به‌نحو عمیقی دستخوش جابجایی شده‌اند. با این وجود، تغییرات متعددی که در اجرای این اصول پیش آمده نمی‌توانند تنها با رواج اصل بازار قیاس گردند. تغییرات اصول اقتصادی - حتی اگر تعادل آنها به‌نحو متناوب تغییر کند - به درازا می‌کشد. به‌علاوه، بازساخت اقتصادی با سه قطب به این معنا نیست که نقش اقتصاد بازار کمتر ارزیابی شود، بین این سه اقتصاد هیچ قرینه نامناسبی برقرار نمی‌شود. اقتصاد بازار به موازات جنبش‌های بخش فرد و پیشرفت سطح زندگی به حرکت خود ادامه داده است. این اقتصاد نیروی جاذبی را با توجه به سادگی جنبه‌های مختلف قانونمندی خاص خود، نشان می‌دهد و همین امر باعث شده است تا جایگاه بیش از پیش مهمتری را بدست آورد. به عبارت دیگر دو قطب دیگر، دومین یا تکمیل‌کننده که در سازمانهای اجتماعی وجود دارند، باید مورد تأمل و بررسی واقع شوند. آنگاه روابط بین اقتصاد و جامعه می‌توانند در چشم‌انداز اقتصاد کثرت‌گرا مورد بررسی قرار گیرند. به عبارت دیگر، اقتصادی که بازار یکی از اجزاء ترکیب‌کننده و مهم آن است به هیچ وجه منحصر به فرد نیست.

همچنین تفکر درباره اهرم سیاسی و بررسی اصطلاحات اقتصاد کثرت‌گرا به مثابه دو ویژگی بروز می‌کنند و - بی‌آنکه خاص جوامع فرانسوی زبان باشند - تعداد زیادی از تولیداتش را با درجات متفاوت ایجاد می‌کنند. توجه به اهرم اجتماعی اقتصاد بازار در جهان انگلیسی‌زبان با انتخاب فرانسوی‌زبانها در عرصه مطالعه اهرم سیاسی یک اقتصاد کثرت‌گرا متباین است. این دو انتخاب زیاد متناقض نیستند. به‌رغم مقابله با یکدیگر، در تدارک نظری